

تأثیرپذیری از سبک حافظ در دیوان صائب تبریزی

سهیلا لویمی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۱۶

چکیده

ادبیات مقایسه‌ای، یکی از شاخه‌های جدید تحقیقات و پژوهش‌های ادبی است. در حوزه زبان و ادب فارسی شاعران و نویسندگان، میراث شکوهمندی بر جای گذاشته‌اند که آیندگان همواره از آن بهره برده‌اند. یکی از برجسته‌ترین شاعران زبان و ادبیات فارسی، حافظ شیرازی است. او انقلابی در شعر و غزل به وجود آورد و همواره بر شاعران پس از خود تأثیرگذار بود. پس از سبک عراقی که حافظ در آن طبع آزمایی و زیست کرده است، سبک هندی در ادبیات پای گذاشت. یکی از شاعران برجسته این سبک صائب تبریزی است. صائب تحت تأثیر غزلیات خواجه، غزلیاتی سروده است. اشتراکات وزنی، مضمونی و محتوایی از مشابهت این غزلیات است. نگارنده در این پژوهش بر آن است تا به بررسی تأثیر سبک حافظ بر اشعار صائب تبریزی بپردازد. به این منظور اشعار در دو حوزه نقد مضمونی و نقد ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند.

کلیدواژگان: حافظ، صائب، سبک، مضمون پرداز، ساختار.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. sloveimi@yahoo.com

مقدمه

از دیرباز در بررسی تاریخی در باب سبک «دو دیدگاه افلاطونی و ارسطویی» به صورت مشخص و متمایز از یکدیگر وجود داشته است (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۲۵). در نظرگاه افلاطونی که قدیمی‌ترین دیدگاه نیز هست، سبک به معنی هماهنگی کامل میان الفاظ و اندیشه است (غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۸)؛ و کیفیتی است که در بعضی آثار وجود دارد و بعضی از آثار فاقد آن هستند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۲۵). دیدگاه ارسطویی سبک را به عنوان محصولی از عوامل متعددی در نظر می‌گیرد که در نوشته‌ای جمع می‌شود و آن را از دیگر نوشته‌ها متمایز می‌کند (همان: ۱۲۵). در کتاب «الشعر والشعراء» از ابن قتیبه این واژه به معنای شیوه و روش به کار رفته است (غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۶).

در ادب فارسی توجه به سبک به طور پراکنده نزد شعرا و ادبا از دیرباز سابقه داشته و از سبک شاعر یا نویسنده با کلمات، طریقه، طرز و شیوه، سخن به میان آمده است. اما کلمه سبک برای نخستین بار در مقدمه کتاب «مجمع الفصحی» هدايت در کنار واژه‌های طرز، طریقه، سیاق، شیوه و معادل این‌ها به کار رفته است (داد، ۱۳۸۳: ۲۷۶). سبک مهم‌ترین و ذهنی‌ترین مقوله در ادبیات است (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۴۰) و علی‌رغم تلاش و کوشش فراوان هنوز تعریفی جامع و مانع از آن عرضه نشده است.

بهار سبک را اینگونه تعریف کرده است: «سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۶۹، ج ۱: د).

گذر از سبکی به سبک دیگر، و عبور از طرز رایج برای حصول به اسلوبی جدید و غریب، لوازم و امکاناتی را می‌طلبد که بی‌ظهور این امکانات هرگز شیوه‌ای نو پدید نمی‌آید. در حقیقت این عوامل و عناصر در طول زمان و در مرحله گذار و در مسیر تحول خویش، تبلور می‌یابند و با حضور عناصر بدیع و جدید خود را به منصف ظهور می‌رسانند، حساب خود را از طرز پیشین جدا می‌کنند و اصلاً با بروز همین مشخصه‌های خاص است که ناقدان و شاعران و هنرفهمان تولد طرزی تازه را خبر می‌دهند و همین واسطه است که موازین ادبی و هنری در هر دوره و زمانی متفاوت است (مؤتمن، ۱۳۷۱: ۴۳۸). مقدمات ظهور و عوامل ایجاد سبک تازه را باید در سبک‌های پیشین و دوره‌های قبل

جست‌وجو کرد. جای شبهه نیست که میان تمام اسالیب ادبی رابطه‌ای موجود است و هرگز سبکی مستقلاً نشو و نما نکرده و از تأثیر سبک‌های دیگر به خصوص سبک ماقبل محفوظ و برکنار نمانده است (همان: ۴۴۲).

نگارنده در پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر بوده است:

۱. آیا صائب در غزلیات خویش متأثر از حافظ بوده است؟
۲. بیش‌ترین تأثیر صائب از حافظ در حوزه مضمون بوده است یا ساختار و محتوا؟

پیشینه پژوهش

۱. پایان نامه «شرح یکصد و پنجاه غزل از صائب تبریزی»، نوشته مرضیه طاهری، مقطع دکتری، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۳

نگارنده در این رساله، به بررسی و مطالعه اشعار صائب پرداخته است. به این منظور دشواری دیوان وی را بررسی کرده است. در کنار آن نیز شرح ابیات، از طریق معانی چندگانه بعضی از ترکیبات محاوره‌ای یا رسمی که خاص صائب یا شاعران سبک هندی است، میسر می‌شود.

۲. پایان نامه «مقایسه و تحلیل سبکی تضمین‌های حافظ»، نوشته مهدی گراوند، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان، ۱۳۹۳

نگارنده در این پژوهش به تأثیرات و تأثرات حافظ پرداخته است و در نهایت به این نتیجه رسیده است که بسیاری از مصرع‌ها و ابیات حافظ اقتباس شده از دیگران است.

صائب تبریزی

صائب تبریزی کثیر الشعر ترین شاعران فارسی زبان است. مجموعه ابیات او را ۲۰۰ و حتی ۳۰۰ هزار بیت گفته‌اند که ممکن است اغراق باشد. اما دیوان ۷۵ هزار بیتی او در دسترس و موجود است. او متهم به پرگویی بوده است. صائب در طول دوران حیاتش منتخباتی از اشعارش ترتیب می‌داده است و همین باعث شد که نسخه‌های مختلفی از دیوان او در دسترس و موجود باشد. میرزا محمدعلی پسر میرزا عبدالرحیم تبریزی اصفهانی معروف به صائب از استادان بزرگ شعر فارسی در عهد صفوی است. خاندان او

اصلاً تبریزی و از اعقاب شمس‌الدین محمد شیرین مغربی تبریزی شاعر مشهور سده هشتم و آغاز سده نهم بود. ولی ولادت و تربیت میرزا محمدعلی در اصفهان بوده است و به همین سبب او را در تذکره‌ها گاه تبریزی و گاه اصفهانی گفته‌اند. صائب در مورد انتسابش به تبریز سروده است:

صائب از خاک پاک تبریز است هست سعدی گر از گل شیراز
(صفا، ۱۳۶۹: ۱۲۷۱ و ۱۲۷۲)

بسیاری از اشعار صائب ضرب‌المثل است، اصطلاحات و امثالی را در شعر آورده است که جایی ضبط نشده است. همچنین به نیروی خلاقه طبع خویش، کنایات و ترکیباتی بی سابقه پدید آورده و لغت آفرینی‌ها کرده است (گلچین معانی، ۱۳۶۴: ۴۴). عنصر خیال در شعر صائب و بسیاری از شاعران سبک هندی از مهم‌ترین عناصر سبکی است. گونه‌های مختلف بیانی مانند تشبیه، استعاره، کنایه و تمثیل در آثار صائب به چشم می‌خورد.

سبک هندی

گسترش روابط میان ایران و هند چه از لحاظ سیاسی و چه ادبی به دوران فرمانروایی غزنویان در ایران بازمی‌گردد. زمانی که اهالی بومی هند بر اثر فتوحات و حکمرانی غزنویان و البته مهاجرت ایرانیان به آن دیار، کم‌کم با زبان و ادبیات فارسی و مظاهر تمدن ایران زمین آشنا شدند. امرا و حکام مسلمان هند از جهات بسیار به زبان پارسی توجه داشتند و به رشد و پیشرفت ادبیات فارسی در سرزمین هند کمک‌های شایان‌ذکری نمودند. این مسأله موجب رواج زبان فارسی و ظهور و پرورش شاعرانی چون امیرخسرو دهلوی شد. این تأثیر و نفوذ در دوره امرای گورکانی هند که از نوادگان تیمور بودند به اوج رسید. بدین ترتیب عموم شعرای بزرگ عصر صفوی به هند سفر کردند و بعضی تا پایان عمر در همان سرزمین روزگار به سر رساندند. این رفت و آمدها روز به روز فزونی می‌یافت تا جایی که حتی ملک الشعراهای دربار هند به جز فیضی و دکنی همه ایرانی بودند. چنانکه واضح است زبان و شعر فارسی از تأثیر خیال‌بافی‌ها و باریک‌بینی‌های دقیق هندیان نیز برکنار نماند. سبک عراقی رفته رفته متروک شد و

طرز تازه جای آن را گرفت که شعرای فارسی زبان تا دو قرن (از اوایل قرن دهم تا اوسط قرن دوازدهم) دنباله‌روی آن بودند. با توجه به اینکه این شیوه ابتدا از هندوستان و پس از آن از دربار هرات برخاست و نیز به دلیل متروک ماندن آن در ایران و دوام آن در نواحی یادشده (هند و افغانستان) تا به امروز، محققان اصطلاح سبک هندی را برای آن برگزیدند و بعضی دیگر به واسطه رواج آن در عصر صفوی آن را سبک صفوی می‌نامند (دریاگشت، ۱۳۷۱: ۴۰۳).

به باور برخی از محققان تسمیه این سبک به هندی از اغلاط مشهور است و حق این است که این طرز از سخن را سبک اصفهانی بنامیم زیرا مسلم است که ظهور این سبک در بین شعرا و گویندگان عصر صفوی در ایران و میان فارسی زبانان بلاد دیگر معلول تحولات گوناگون اجتماعی و دنباله تغییرات طبیعی و عصری و پیدایش مجازات و کنایات و استعارات جدید بوده و در واقع طبیعت زبان و احتیاج طبیعی مردم یک عصر است که خود به خود این حدوث و تازگی را چه در زبان محاوره و چه در زبان ادب و سخن به وجود می‌آورد، و الا هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که فلان سبک آفریده و مصنوع فلان شاعر و فلان نویسنده به طور خاص است و مجموع حوایج و ضروریات مستحدث مردم و اخلاط و امتزاج اقوام با یکدیگر و ظهور لغات تازه و به خصوص مجازات کلام و تغییر اصطلاحات در بین مردم موجب می‌شود که در هر عصری از اعصار طریقه‌ای تازه در زبان و بیان به وجود آید و در واقع مبدع حقیقی، خلاق سخن و سخنوران است که به اقتضای حوائج بیانی و ذوق و سلیقه مردم در هر دوره‌ای از زمان این تغییر و تحول را به وجود می‌آورد و اینکه زمانی سبکی از سخن به کسی نسبت داده می‌شود و مردم او را مبدع و مبتکر آن سبک می‌شناسند از باب این است که آن شاعر یا نویسنده فرد اکمل از دسته و طبقه‌ای است که بدان نوع از شعر یا نوشته چیزی ساخته یا نوشته‌اند (فیروزکوهی، ۱۳۳۶: ۴).

سخنوران این سبک در جست‌وجوی مضامین ناگفته و نشناخته بر هم سبقت می‌جویند و بعضی از آنان در این مسابقه به حدی افراط می‌ورزند که کار به ابتذال می‌کشد و دیگر هیچ فکر بکر و اندیشه بدیعی در سراسر اشعار آنان نمی‌توان یافت (تمیم داری، ۱۳۷۲: ۹۸ و ۹۹).

حافظ

خواجه شمس الدین محمد بن حافظ شیرازی یکی از بزرگ‌ترین شاعران نغزگوی ایران و از نویسندگان بزرگ جهان است. وی در شعرهایش حافظ تخلص نموده است. ولادت وی حدود سال ۷۲۷ در شیراز اتفاق افتاده است. حافظ مردی ادیب و عالم به دانش‌های ادبی و شرعی و مطلع از دقیقه‌های حکمت و حقیقت‌های عرفان بود. وی بهترین غزلیات مولوی، سعدی، همام، خواجه و یا بهترین ابیات آنان را مورد استقبال و جواب گویی قرار داده است. شعر حافظ تأثیری شگرف بر آثار شاعران پس خود گذاشت. به گونه‌ای که این تأثر را از عهد وی تا به امروز می‌توان دنبال کرد. ویژگی‌ها و مضامین شعر حافظ در اشعار شاعران پس از وی، از جمله صائب تبریزی که به سرایش غزل شهره است، حضوری چشمگیر دارد. شاعران سبک هندی در کنار نوآوری از نظیره گویی و تأثیرپذیری از شاعران گذشته، به ویژه حافظ غافل نبودند؛ و می‌توان با استناد به همین شیوه، سبک هندی را دنباله و ادامه سبک عراقی به شمار آورد.

شاعران زیادی بر مختصات شعری سبک هندی تأثیر گذاشته‌اند که از آن میان می‌توان به خاقانی، نظامی، کمال الدین اسماعیل، خواجهی کرمانی و امیرخسرو دهلوی اشاره کرد. اما نشانه‌های آشکار این تأثیر در شعر شاعران سبک هندی و اشاره ایشان به تأثیرپذیری از حافظ به ویژه در شعر صائب بیانگر این است که حافظ در جهت دهی و شکل دادن به سبک هندی سهم بیش‌تری داشته است. حافظ به دلیل ممارست و پیگیری مستمرش در اشعار شاعران پیش از خود ویژگی‌های دیگر شاعران مؤثر در پیدایش سبک هندی، خاقانی، نظامی، کمال الدین اسماعیل و ... را نیز تا حدودی در اشعار خود داراست.

گذشته از آن حافظ اگر صرفاً به شیوه شعرای معاصر و پیش از خود شعر می‌گفت، مطمئناً شهرتی را که امروزه دارد، نمی‌توانست کسب کند و شاعری همچون شعرای متوسط عهد خود می‌بود. پس با هوشیاری و ذکاوت ویژه‌ای اشعاری سروده است که از اشعار دوره پیش از خود متمایز است. بدین معنی که هم از جهت محتوایی از اشعار متقدمان ممتاز است و در قالب غزل که بیش از هر موضوعی به مسائل عشقی اختصاص دارد، انواع موضوعات از جمله اخلاقی، طنز، سیاست و ... را راه داده و همراه با دیگر

معاصرینش از جمله *خواجو*، *سلمان ساوجی*، *عماد فقیه* و ... از هنجار قدما عدول کرده است و هم از حیث صورت می‌توان آن را هم در محور افقی و هم در محور عمودی شعر در نظر گرفت و خواند بدون آنکه خللی در دریافت معنا و مفهوم شعر ایجاد شود (رضایی شعبان، ۱۳۹۰: ۳).

صائب و حافظ

حافظ و *صائب* دو شاعر دین‌گرا هستند. *حافظ*، حافظ قرآن بوده است و عبادت و پرستش در اشعار بسیار راه یافته است. *صائب* شیفتگی زیادی نسبت به *حافظ* داشته است و غزلیاتی نیز به پیروی از وی سروده است. *صائب* مانند *حافظ* بر زاهدان ریاکار می‌تازد و حتی می‌توان گفت زبان و سخن وی، تندتر از *حافظ* است. یکی از ویژگی‌های شعر *صائب تبریزی*، نظیره‌گویی‌های وی است. با بررسی در دیوان *صائب* مشخص شد که غالب نظیره‌گویی‌های وی از *مولانا* است. پس از *مولانا*، بیش‌ترین توجه *صائب* به *حافظ* بوده است و غزلیات گوناگون متأثر از غزلیات *حافظ* سروده است. به گفته دشتی، *صائب* سودایی به نظیره‌گویی داشته به حدی که می‌توان تصور کرد یکی از انگیزه‌های وی در سرودن غزل همین امر بوده است. تنها به استقبال بزرگانی چون *سنایی*، *عطار*، *مولوی*، *سعدی* و *حافظ* اکتفا نکرده، بلکه به نظیره‌گویی از شاعران دسته دوم و حتی معاصران خود برخاسته و شاید قریب هفتاد یا هشتاد شاعر را مورد طبع آزمایی قرار داده است (دشتی، ۱۳۶۴: ۱۲).

بررسی و تحلیل

در این پژوهش به بررسی محتوایی (مضمون‌گرایی) و ساختاری (وزن و قافیه) غزلیاتی از *صائب* که به تأثیر از *حافظ* سروده شده است، می‌پردازیم. مضمون‌پردازی با اصطلاحات ادبی و مفاهیم و الفاظ مربوط به قلمروی شعر و ادب بیانگر این واقعیت است که اهل سخن در این عهد- سبک هندی- بیش از حد، دغدغه شاعری داشته و به شعر و شاعری می‌اندیشیده‌اند. اغلب ابیات اسلوب معادله هستند، شاعر ادعایی را در مصرع اول طرح می‌کند و در مصرع دوم برای آن مثلی از عالم ادبیات و فن شعر می‌آورد (فتوحی،

۱۳۸۵: ۱۳۱). مضمون و مضمون پردازي در شعر صائب و پیروان سبک هندی بسیار پررنگ است و بسیاری بر این باورند که در شعر سبک هندی، الزام به مضمون‌گرایی سبب کاهش بار معنایی شعر شده است. به سبب جلوگیری از طولانی شدن کلام، به ذکر یک بیت از هر غزل اکتفا شده است. غزلیاتی که در این جستار، انتخاب شده است غزلیاتی است که وزن و قافیه مشترکی دارند. در ادامه به بررسی اوزانی که صائب به آن‌ها توجه داشته است، می‌پردازیم.

خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت به قصد جان من زار ناتوان انداخت
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۶)

بنفشه پیش خفت قفل بر زبان انداخت گهر ز شرم لبست سنگ در دهان انداخت
(صائب، ۱۳۶۴: ۹۴۱)

نقد مضمون‌گرایی

در دو غزل می‌توان تفاوت مضامین را دریافت. حافظ کلام و معنی را توأمان در غزل به کار گرفته است. کلمات بیش‌تر اسم معنی هستند و همین به عمق و معناگرایی غزل یاری رسانیده است.

واژگانی که حافظ برگزیده است: شوخ، ناتوان، زار، عالم، نقش، رنگ، الفت، محبت، زمان که تمامی واژگان یا صفت هستند و یا اسم معنا.

واژگانی که صائب برگزیده است: بنفشه، گهر، لب، سنگ، شیشه، زلف و... که غالب این واژگان اسامی ذات هستند.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

وزن هر دو غزل مفاعلهن مفاعلهن مفاعلهن (مجتث مثنی‌مخبون محذوف) است. هر دو غزل دارای ردیف هستند. کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از کمان، ناتوان، جهان، ارغوان، گمان، میان، دهان، آن، نمی‌توان، مغان، جهان. کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از زبان، دهان، میان، کمان، زبان، می‌توان، آستان، میان، میان.

اگرچه عرض هنر پیش یار بی ادبیست زبان خموش ولیکن دهان پر از عربیست
(حافظ، ۱۳۷۰: ۶۴)

ز یار لطف نهان خواستن فزون طلبی است که دل زیاده برد خنده‌ای که زیر لبی است
به احتیاط سخن در حضور خوبان کن که خوی سنگدلان آبگینه حلبی است
(صائب، ۱۳۶۴: ۱۷۶۳)

نقد مضمون‌گرایی

صائب در ابیات فوق، بیش‌تر به دنبال تصویرسازی و مضمون‌پردازی‌هاست. مصرع‌هایی که در غزلیات وی می‌آیند در پی آن‌اند تا تکمله‌ای باشند بر مصرع قبلی.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

وزن هر دو غزل، مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فععلن (مجثث مثنیٰ مخبون محذوف) است. هر دو غزل دارای ردیف است. کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از بی ادبی، عربی، بوالعجبی، بوله‌بی، بی سببی، خم طنبی، عنبی، بی ادبی، نیم شبی. کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از فزون طلبی، زیر لبی، حلبی، تشنه لبی، بوله‌بی، نیم شبی، بی ادبی، عربی، عزبی، بی ادبی.

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
(حافظ، ۱۳۷۰: ۸۰)

پشت آینه بود پرده مستوری زشت زاهد از کعبه همان‌به که نیاید به کنشت
(صائب: ۱۶۲۶)

نقد مضمون‌گرایی

حافظ با کلماتی ژرف و در عین حال ساده در پی انتقال مفهومی عمیق است. وی علاوه بر آراستن کلام، به معنا نیز کاملاً اشراف دارد. صائب در این غزل، همچون غزلیات دیگر، در پی آفریدن مضمونی تازه است. و این تا پایان ابیات غزل ادامه دارد.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

وزن هر دو غزل، فعلاتن فعلاتن فععلن (رمل مثنیٰ مخبون محذوف) است.

کلمات قافیه در غزل *حافظ* عبارت‌اند از سرشت، نوشت، کنشت، خشت، زشت، بهشت، بهشت.

کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از زشت، کنشت، زشت، نکشت، خشت، بهشت، برشت، بهشت، نوشت.

مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد نقش هر نغمه که زد راه به جایی دارد
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۲۳)

ذره‌ام چشم به خورشید لقای دارد استخوانم سر پیوند همایی دارد
(صائب، ۱۳۶۴: ۲۷۷۸)

نقد مضمون‌گرایی

ابیات غزل *حافظ* به خصوص ابیات ابتدایی غزل، شور و حال دارد و بار معنایی مثبت. سخن از موسیقی است و وجد و شور موسیقایی وار. کلمات و و محتوا نیز همین شور را منتقل می‌کنند. در غزل صائب، وی کلماتی را انتخاب کرده است که مانوس با عامه مردم است. ترکیبات محاوره‌ای و مضمون سازی قابل درک برای عوام از مختصات این غزل است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

وزن هر دو غزل، فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثنی‌مخبون محذوف) است. غزل دارای ردیف است.

کلمات قافیه در غزل *حافظ* عبارت‌اند از نوایی، جایی، هوایی، خدایی، همایی، گدایی، دوایی، جزایی، صفایی، دعایی.

کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از لقای، جایی، دوایی، پای، قبله نمایی، قبایی، ردایی، صفایی، بوسه ربایی، نوایی، جایی، نوایی.

شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد بنده طلعت آن باش که آنی دارد
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۲۵)

هر کف خاک ز احسان تو جانی دارد هر حبابی ز محیط تو جهانی دارد
(صائب، ۱۳۶۴: ۲۷۷۰)

نقد مضمون‌گرایی

حافظ در غزل بالا در پی تفهیم و بیان همان «آن» مشهور جهان فکری خویشتن است. و از ارادت به «آن» می‌گوید. اگرچه محور افقی شعر استحکام بیش‌تری دارد اما محور عمودی نیز همه در بیان یک چیز واحد می‌کوشد. غزل صائب، تشبیهات و مضامینی ژرف دارد که نیاز به قدرت در تداعی معانی و نیز احاطه به معنای کلام در بیت بیت آن احساس می‌گردد. این غزل نیز دربردارنده مضامینی نو است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

وزن هر دو غزل، فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثنی‌مخبون محذوف) است. غزل دارای ردیف است.

کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از میانی، آنی، فلانی، روانی، عنانی، نشانی، کمانی، گمانی، مکانی، خزانی، بیانی.

کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از جانی، جهانی، زبانی، روانی، نانی، نگرانی، نانی، دهانی، جوانی، بیانی.

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
وان چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۴۳)

آن که منع من مخمور ز صهبا می‌کرد
لب می‌گون ترا کاش تماشا می‌کرد
(صائب، ۱۳۶۴: ۲۹۵۴)

نقد مضمون‌گرایی

مضامین غزلیات حافظ به طور کلی، در پی بیان اندیشه‌هایش است. او هیچ ابایی ندارد که مضامین تکراری باشند. زیرا با آراستن کلمات و ترکیبات، کلامش را تازه می‌کند.

غزل فوق از صائب، از جمله غزل‌هایی است که با خوانش آن و توجه به مضامین آن می‌توان تا حدی به افکار شاعر نزدیک شد. مضامین این غزل علی‌رغم تازه و بکر بودن، قابل دریافت و درک است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

هر دو غزل بر وزن فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثنی مخبون محذوف) سروده شده است. هر دو غزل دارای ردیف هستند.

کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از ما، تمنا، دریا، معما، تماشا، مینا، راه، هویدا، مسیحا، شیدا.

کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از صهبا، تماشا، مصفا، دریا، بادیه پیمان، خارا، رعنا، وا، گوارا، تمنا، شیدا، مسیحا.

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمان زدنند
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۸۴)

نغمه عشق به گوش من دیوانه زدند این چه اکسیر بهارست بر این دانه زدند
(صائب، ۱۳۶۴: ۳۵۰۹)

نقد مضمون‌گرایی

حافظ در غزل بالا، پیرایه‌ها و آرایه‌های ادبی نزدیک به ذهنی را برگزیده است که بسیار نزدیک به ذهن است. در غزل صائب، تلاش وی برای تصویرآفرینی‌های بدیع سبب پیچیدگی شعر شده است و این پیچیدگی در مضامین نیز قابل رؤیت است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

هر دو غزل بر وزن فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثنی مخبون محذوف) سروده شده است. هر دو غزل دارای ردیف است.

کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از میخانه، پیمان، مستان، دیوانه، افسانه، شکرانه، پروانه، شانه.

کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از دیوانه، دانه، بت خانه، خانه، پروانه، شانه، ویرانه، افسانه، بت خانه، شانه.

نقدها را بود آیا که عیاری گیرند تا همه صومعه داران پی کاری گیرند
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۸۵)

مهر را سوختگان بوته خاری گیرند ماه را زنده دلان شمع مزاری گیرند
(صائب، ۱۳۶۴: ۳۵۲۲)

نقد مضمون‌گرایی

حافظ علی‌رغم اینکه در بافت سخن و شعر خویش، ایهام را جایز می‌داند و بسیار از آن بهره می‌گیرد اما باز هم خروجی غزل او قابل فهم است، و هر کس به وسع دریافت و درک خویش از آن بهره می‌برد. غزل بالا، از صائب تبریزی، با کاربرد مضامین جدید و بکر، ذهن مخاط را به چالش کشیده است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

هر دو غزل بر وزن فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثنی‌مخبون محذوف) سروده شده است. هر دو غزل دارای ردیف است.
کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از عیاری، کاری، یاری، قراری، سواری، شکاری، نگاری، کناری.
کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از خاری، مزاری، حصاری، قراری، کناری، شماری، سواری.

غلام نرگس مست تو تاجدارانند خراب باده لعل تو هوشیارانند
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۹۵)
سپند خال لب‌ت آتشین عذارانند به خون تپیده لعل تو تاجدارانند
(صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۳۹۵۴)

نقد مضمون‌گرایی

در سراسر غزل حافظ، با ستایش معشوق روبه‌رو هستیم. حافظ، صفات گوناگونی را برای معشوق برمی‌شمارد که ما را به معشوق ذهنی وی و تجسم و درک او نزدیک می‌سازد. در غزل صائب، وام‌گیری‌هایی از همین شیوه به چشم می‌خورد. اما آنچه سبب تفاوت شده است توجه ویژه وی به طبیعت و پدیده‌های طبیعی است که با موشکافی در آن‌ها مضامینی را خلق کرده است که تجسم معشوق شعری وی را دشوار ساخته است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

وزن هر دو غزل، مفاعیلن مفاعیلن فعلن (مجثث مثنیٰ مخبون محذوف) است. کلمات قافیه در غزل *حافظ* عبارت‌اند از تاجدارانند، هوشیارانند، رازدارانند، سوگوارانند، بی‌قرارانند، گناهکارانند، هزارانند، سوارانند، سیاه‌کارانند، رستگارانند. کلمات قافیه در غزل *صائب* عبارت‌اند از عذارانند، تاجدارانند، سوارانند، خاکسارانند، میگسارانند، عذارانند، گناهکارانند، گناهکارانند.

آن یار کز او خانه ما جای پری بود سر تا قدمش چون پری از عیب بری بود
(حافظ، ۱۳۷۰: ۲۱۶)

تا منزل من بادیه بیخبری بود هر موج سراپم به نظر بال و پری بود
(صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۴۴۲۵)

نقد مضمون‌گرایی

حافظ در غزل فوق‌نیز، به ترسیم معشوق خویش مبادرت ورزیده است. معشوقی که وی خلق کرده، معشوقی بی‌نقص است. مضامین نیز وام‌گرفته شده از شاعران پیشین است و معشوق نیز همان معشوق است. محتوای این غزل *صائب*، با غزل *حافظ* یکی نیست و وی در این غزل بیش‌تر به خود پرداخته است و مضامینی را هم که به کار برده در جهت شناخت خود است. مضامین این غزل آمیزه‌ای از عرفان و فلسفه است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

هر دو غزل بر وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (هزج مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف) است. هر دو غزل دارای ردیف است. کلمات قافیه در غزل *حافظ* عبارت‌اند از پری، بری، سفری، پرده‌دری، صاحب‌نظری، قمری، تاجوری، بی‌خبری، رهگذری، جلوه‌گری، سحری. کلمات قافیه در غزل *صائب* عبارت‌اند از بی‌خبری، پری، ثمری، سفری، نظری، بی‌خبری، پرده‌دری، تاجوری، سحری، جلوه‌گری، گهری، بی‌بصری.

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۷۷)
نه هر سخن شناسی سخنوری داند نه هر سیاه دلی کیمیاگری داند
(صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۳۵۳۴)

نقد مضمون‌گرایی

این غزل حافظ، بوی اعتراض می‌دهد. این اعتراض می‌تواند هم به شخص خاصی باشد و هم به شرایط خاص. وی با پرداخت‌هایی نو، اعتراضی را نیز بنیان می‌نهد. صائب محتوای این غزل را کاملاً از حافظ وام گرفته است و در پی آن بوده تا به غزل خویش نیز جنبه اعتراضی بخشد و گاه کنایه‌های نیز روانه کند. مضمون پردازی‌های نو، نسب به سایر غزل‌ها، در این غزل کم‌تر است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

وزن هر دو غزل، مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن (مجثث مثنی مخبون محذوف) است. هر دو غزل دارای ردیف است. کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از دلبری، سکندری، سروری، بنده پروری، کیمیاگری، ستمگری، پری، قلندری، جوهری دادگستری، دری. کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از سخنوری، کیمیاگری، جوهری، ششتری، سکندری، جوهری.

بر سر آنم که گر ز دست بر آید دست به کاری زخم که غصه سر آید
(حافظ، ۱۳۷۰: ۲۳۲)
از کمرش کام دل چگونه بر آید خرد شود شیشه‌ای که بر کمر آید
(صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۴۳۶۳)

نقد مضمون‌گرایی

حافظ در غزل بالا، در پی تغییر است، واژگان و ترکیباتی را که به کار می‌گیرد، نیز در راستای انتقال همین مفهوم است. در این غزل صائب، مضامین بکار گرفته شده، برآمده از واژگان عامه است. مضمون‌ها نیز اگرچه بکر و تازه اما قابل درک است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

هر دو غزل بر وزن مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (منسرح مثنی مطوی منحور) است. هر دو غزل دارای ردیف هستند.

کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از بر آید، سر آید، در آید، بر آید، به در آید، گذر آید، نظر آید، به بر آید، بی خبر آید.

کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از بر آید، کمر آید، بر آید، ثمر آید، سفر آید، کارگر آید، بر آید، بر آید، پر آید، نظر آید، شیشه گر آید، سرآید، درآید، بدرآید.

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید
(حافظ، ۱۳۷۰: ۹۵)

دعوی عشق ز هر بوالهوسی می‌آید دست بر سر زدن از هر مگسی می‌آید
(صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۳۶۳۸)

نقد مضمون‌گرایی

مهم‌ترین تفاوت محتوایی و مضمونی غزل حافظ در مقایسه با غزل صائب، شادی و نشاطی است که در واژه به واژه این غزل نهفته است. مضامین همه در خدمت این شادی و بیان آن به کار گرفته شده‌اند.

در این غزل از صائب، ما با آمیزه‌ای از خلاقیت‌های وی مواجه‌ایم. زبان محاوره و توجه به باورهای عامیانه از مختصات مضمونی این غزل است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

هر دو غزل بر وزن فعلاتن فعلاتن فعلتن فعلن (رمل مثنی مخبون محذوف) سروده شده است. هر دو غزل دارای ردیف است.

کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از نفسی، کسی، فریادرسی، قبسی، هوسی، جرسی، ملتمسی، نفسی، قفسی، مگسی.

کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از بوالهوسی، مگسی، خسی، نفسی، مگسی، جرسی، نفسی، فریادرسی، قفسی، نفسی.

ای صبا نکهتی از خاک ره یار بیار ببر اندوه دل و مزده دلدار بیار
(حافظ، ۱۳۷۰: ۲۴۹)
ای صبا برگی ازان گلشن بی خار بیار حرف رنگینی ازان لعل گهر بار بیار
(صائب تبریزی، ۱۳۶۴: ۴۶۷۵)

نقد مضمون‌گرایی

تشابه محتوایی این دو غزل، زیاد است. واژگانی که حافظ از آن بهره گرفته است. بیش‌تر در وصف معشوق است و استعاراتی پیرامون آن. در غزل صائب، استعارات و مضامین برگرفته از طبیعت و در خدمت بیان ویژگی‌های معشوق است.

نقد ساختاری (وزن و قافیه)

هر دو غزل بر وزن فعلاتن فعلاتن فعلن (رمل مثنی‌مخبون محذوف) سروده شده است. هر دو غزل دارای ردیف است. کلمات قافیه در غزل حافظ عبارت‌اند از یار، دلدار، اسرار، یار، اغیار، خونبار، عیار، گلزار، شکربار، کردار، بازار. کلمات قافیه در غزل صائب عبارت‌اند از بی خار، دستار، خونبار، دیدار، خار، کار، اسرار، طرار، زار، بازار، گفتار، یار، کار، بیمار، یار.

نتیجه بحث

غزلیات صائب تبریزی، به عنوان یکی از برترین نماینده‌های سبک هندی، حائز اهمیت است. غنای شعر حافظ محصول آبخورهای گوناگونی است که وی از آن‌ها بهره برده است. یکی از شاعرانی که صائب همواره متوجه او بوده است، حافظ شیرازی است. نگارنده در این پژوهش به استخراج برخی از غزل‌های صائب پرداخته است. هرچند تأثر صائب از حافظ بیش از این تعداد است، اما به جهت انسجام کار، غزلیاتی انتخاب شدند که صائب به صراحت در ابیات پایانی، نام خواجه شیراز را برده است و خود نیز به این وام‌گرفتن‌ها اشاره کرده است. اگرچه غزلیاتی که صائب به تأثیر حافظ سروده است، وزن و قافیه مشترکی دارند اما جهان فکری این دو شاعر، غزلیات و اشعار متفاوتی خلق

کرده است. مضامین بکر و دور از ذهن صائب و تلفیق آن با زبان عامه، سبب مضمون‌پردازی‌هایی شده است که غزل او را از غزل *خواجه* متفاوت ساخته است.

کتابنامه

- امیری فیروزکوهی، کریم. ۱۳۳۶ش، کلیات صائب تبریزی، تهران: انتشارات خیام.
بهار، محمدتقی. ۱۳۶۹ش، سبک شناسی، تهران: امیرکبیر.
تمیم داری، احمد. ۱۳۷۲ش، عرفان و ادب در عصر صفوی، تهران: انتشارات حکمت.
حافظ، خواجه شمس الدین. ۱۳۷۰ش، دیوان حافظ، به تصحیح غنی- قزوینی، چاپ سوم، تهران: انتشارات اساطیر.
داد، سیما. ۱۳۸۳ش، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: انتشارات مروارید.
دریاگشت، محمدرسول. ۱۳۷۱ش، صائب و سبک هندی در گستره تحقیقات ادبی، تهران: انتشارات قطره.
دشتی، علی. ۱۳۶۴ش، نگاهی به صائب، چاپ سوم، تهران: انتشارات اساطیر.
شمیسا، سیروس. ۱۳۸۲ش، سبک شناسی شعر، چاپ نهم، تهران: انتشارات فردوس.
صائب تبریزی، محمدعلی. ۱۳۶۴ش، دیوان صائب، به کوشش محمد قهرمان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۹ش، تاریخ ادبیات ایران، تهران: انتشارات فردوس.
غلامرضایی، محمد. ۱۳۸۱ش، سبک شناسی شعر فارسی، تهران: انتشارات جامی.
فتوحی، محمود. ۱۳۸۵ش، نقد ادبی در سبک هندی، تهران: انتشارات سخن.
گلچین معانی، احمد. ۱۳۶۴ش، فرهنگ اشعار صائب، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
مؤتمن، زین العابدین. ۱۳۷۱ش، گلچین صائب، تهران: انتشارات فرهنگ سرا.
میرصادقی، جلال. ۱۳۷۶ش، عناصر داستان، تهران: انتشارات مهناز.

پایان نامه‌ها

- رضایی شعبان، کمال. ۱۳۹۰ش، «مضامین مشترک میان حافظ و ابن فارض»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ابوعلی سینا.

Bibliography

- Amiri Firoozkoohi, Karim. 1957, Saeb Tabrizi Generalities, Tehran: Khayyam Publications.
Bahar, Mohammad Taqi 1990, Stylistics, Tehran: Amirkabir.

- Tamim Dari, Ahmad 1993, *Mysticism and Literature in the Safavid Era*, Tehran: Hekmat Publications.
- Hafez, Khawaja Shamsuddin. 1991, *Hafez Divan*, edited by Ghani-Qazvini, third edition, Tehran: Asatir Publications.
- Dad, Sima. 2004, *Dictionary of Literary Terms*, Tehran: Morvarid Publications.
- Daryagasht, Mohammad Rasool 1992, *Saeb and Indian style in the field of literary research*, Tehran: Qatreh Publications.
- Dashti, Ali 1985, *Taking a Look at Saeb*, Third Edition, Tehran: Asatir Publications.
- Shamisa, Sirius. 2003, *Stylistics of Poetry*, Ninth Edition, Tehran: Ferdows Publications.
- Saeb Tabrizi, Mohammad Ali 1985, *Saeb Divan*, by Mohammad Ghahraman, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Safa, Zabihullah. 1990, *History of Iranian Literature*, Tehran: Ferdows Publications., *Stylistics of Persian Poetry*, Tehran: Jami Publications.
- Fotuhi, Mahmoud 2006, *Literary Criticism in Indian Style*, Tehran: Sokhan Publications.
- Golchin Maani, Ahmad 1985, *Saeb Poetry Culture*, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Mo'tamen, Zayn al-Abedin. 1992, *Golchin Saeb*, Tehran: Farhangsara Publications.
- Mirsadeghi, Jalal. 1997, *Elements of the Story*, Tehran: Mahnaz Publications.

Theses

- Rezaei Shaban, Kamal. 2011, "Common themes between Hafez and Ibn Farz", Master Thesis, Abu Ali Sina University.

Influence of Hafez Style in Saeb Tabrizi Divan

Soheila Loveimi

Faculty member of Persian Language and Literature Department, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Abstract

Comparative literature is one of the new branches of literary research. In the field of Persian language and literature, poets and writers have left a glorious legacy that future generations have always benefited from it. One of the most prominent poets of Persian language and literature is Hafez Shirazi. He created a revolution in poetry and lyricism and always influenced the poets after him. After the Iraqi style in which Hafez experimented and lived, the Indian style entered in literature. One of the prominent poets of this style is Saeb Tabrizi. Saeb has composed lyric poems under the influence of Khajeh's lyric poems. The similarities in weight, theme and content are the similarities of these lyrics. In this research, the author intends to study the effect of Hafez style on Saeb Tabrizi's poems. For this purpose, poems in two areas of thematic criticism and structural criticism were examined.

Keywords: Hafez, Saeb, Style, Thematic, Structure.